

◆ دیدگاه ◆

معانی نمادین نقش مایه بته جقه

حامد ذویاور*

مهنوش وحدتی**

مهدی مکی نژاد***

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۲

چکیده

هنر در جوامع مختلف، ظهور یکی از معانی خلقت و اسطوره‌های^۱ مربوط به آن است که به صورت نماد و در نتیجه به صورت نقوش در آثار بشری نمایان گشته است، این نقوش صرفاً جنبه تزئینی ندارند و معانی و مفاهیم عالی تری ارائه می‌کنند و به خاطر جنبه‌های نمادین یکی از متنوع‌ترین نمادگرایی‌ها هستند. بته که به عنوان نقشی گیاهی و تزئینی در هنرهای سنتی، به صورتی فراگیر مورد استفاده قرار گرفته، نگاره‌ای است نمادین از اعتقادات ایرانیان و دیگر ملل که با هماهنگی موجود در میان اجزاء درونی و بیرونی‌اش در طی زمان و گذر از میان فرهنگ‌های مختلف توانسته همیشه راه تکامل و زیبایی را پیموده، کامل شده، نهایتاً آنچه امروز به دست ما رسیده به عنوان بته‌جقه بشناسیم. این مقاله جستجویی است برای یافتن این سؤال که: بته‌جقه بیانگر چه حقایقی وراء آنچه تاکنون شنیده‌ایم و خوانده‌ایم است؟ هدف از تدوین این مقاله نزدیکی اذهان به دریافت مفهوم بته جقه است و در پژوهش پیش‌رو که تحقیقی است از نظر هدف بنیادی به شیوه توصیفی-تحلیلی کوشش شده، در حد توان به هویت اصلی و حقیقی این نقش مایه کهن پرداخته شود. این آرایه نمادی از اندیشه‌ای است که گروهی از هنرشناسان آن را نمادی از سرو، درخت زندگی، آتش، تاج و... می‌دانند که با حفظ هویت خود و خلاقیت و هوشمندی هنرمند به طرز زیرکانه یا از سر نا آگاهی با اینکه از طبیعت اولیه‌اش فاصله گرفته و به گونه‌های متفاوت در هنرهای مختلفی در تمامی ایران و جهان بازتاب یافته است همچنان به عنوان نقش مادر با لطافت تمام جلوه‌گری می‌کند؛ اما حقیقت نهفته در این نقش حکایت از نوعی پیوستگی با خلقت آغازین دارد.

کلیدواژه‌ها: بته‌جقه، درخت زندگی، تاج، دیپیم، داهیه

Email: Hamedzoyavar@yahoo.com

Email: Info@ghalikhoban.com

Email: Makinejadm@gmail.com

*. فارغ‌التحصیل ارشد هنر اسلامی، هنرآموز هنرستان.

** دانشجوی ارشد رنگرزی، مربی فنی و حرفه‌ای.

*** عضو هیئت علمی فرهنگستان هنر.

هنری آن مردمان بتوان به اصل و منشأ و پیدایش آن هنر پی برد؛ این که چگونه طرح‌ها از صنعتی به هنر دیگر رسوخ کرده و یا برعکس و آن معیار و نماد هنری در این صنایع چه جایگاهی و مقامی دارد و دارای چه مرتبه‌ای است. برای پی بردن به این مفاهیم باید به جزئیات آثار و اقوال گوناگون توجه کرد علاوه بر این باید جزئیات را در کلیات آن نیز جستجو کرد.

ایران در منطقه‌ای خاص قرار دارد با فرهنگ‌ها و اقوال و گویش‌ها و آثار فراوان پس باید برای شناخت چنین قومی با چنین غنای فرهنگی گام به‌مراتب بالاتری گذاشت و نسبت به تمام این تفاوت‌ها تقریباً در یک فاصله قرار گرفت تا بتوان محیط بر آن‌ها بود و بتوان همه را به یک نسبت مشاهده نمود. درک بن‌مایه‌ها و ریشه نقوشی که مکرراً در جای‌جای هنر یک قوم بروز و ظهور دارد، از جمله این موارد است. بته‌جقه از نقش‌مایه‌های کهنی است که ظهور آن در هنر ایرانی به اعصار کهن بازمی‌گردد و تأثیر آن در گونه‌های مختلف هنری این مرز و بوم مشهود است. جستار در معانی این نقش‌مایه مسئله تحقیق حاضر است که می‌تواند زمینه و علل استفاده فراوان آن را در هنر ایران مشخص نموده و از این طریق فضایی ایجاد نماید تا در مطالعه هنریک قوم، هنر را همان‌گونه که آن قوم می‌بینند و قرار داده‌اند و از آن مهم‌تر آن‌گونه که خداوند متعال با مشیت خود آن را قرار داده مورد تفحص و جستجو قرارداد؛ که البته حکمت الهی و فراست روحانی می‌طلبد ولی به‌قدر تشنگی باید چشید.

چرخ با این اختران نغز و خوش و زیبا ستی
صورتی در زیر دارد، آنچه در بالاستی
میرفندرستی

پیشینه

در این حوزه پژوهش‌های انجام‌گرفته بیشتر جنبه تاریخی و بررسی فرم‌های بته‌جقه داشته و به مفاهیم و درون‌مایه این نقش کمتر پرداخته‌اند از جمله ژوله در کتابی با عنوان پژوهشی در فرش ایران بیان کرده: «بته‌جقه از سرو ایرانی که از نمادهای زرتشتی بوده سرچشمه گرفته و بعدها در شرق رواج زیادی گرفته و

نخست آفرین کرد بر دادگر
کز اوی است نیرو و فر و هنر
فردوسی

مقدمه

هنگام سخن از هنر، اغلب به معنی عام آن نظر می‌اندازیم که همان صنایع مستظرفه سده‌های قبل است لیک وقتی به پیشینتان و استادان سخن و ادیبان بزرگ باسابقه دور مراجعه می‌کنیم با تعریف دیگری روبه‌رو می‌شویم درواقع به معنی آن درجه از کمال آدمی است که هشیاری و فراست و فضل و دانش را در بردارد و نمود آن صاحب‌هنر را برتر از دیگران می‌نماید؛ که آن را دهخدا هم‌معنی و مترادف فرزنگی و علم دانسته است.

رو به هنر صدر جوی بر در صدر جهان
رو به صفت بازگرد بر در اصحاب ما
خاقانی

حال سؤال اینجاست چرا به آن معنی عمیق و والای علم هنر گفته شده؟ و آیا این صنایع به عمق درک معانی آن مفاهیم رسیده‌اند؟ چگونه می‌توان رابطه‌ای بین مفاهیم حقیقی و درک مراتب عالیه علوم به‌ویژه هنر با ظواهر آن پیدا کرد؟ آیا مفردات اثر هنری هم دارای این مفاهیم می‌باشند؟ برای این منظور باید مراتب عالیه و دانیه خلقت و علم را شناخت تا بتوان به صعود یا سقوط این مراتب در طول خلقت بشر آگاهی پیدا کرد.

زمانی که بنای صحبت از صنعت یا هنر قوم خاصی به میان آورده می‌شود باید آن صنعت و صاحبان آن صنعت را از جوانب مختلف و خصوصاً از جهات اربعه^۲ و در صورت امکان از تمامی زوایا مورد مطالعه قرارداد که در چه اقلیمی با چگونه روحیاتی و گفتاری و ... این هنر به متصه ظهور رسیده است. در این بین بعضی از موارد شاید از نظر دیگران مخفی باشد و از طریق همین آثار و نشانه‌ها و نواها و لهجه‌ها و بعضاً نوع رفتار صنعتی و



دریافت می‌کرده‌اند پی به این حقایق برده‌اند. شاید آن انبیا همان‌گونه که بعضی از صنایع و قتون را به انسان‌ها و امت‌هایشان آموخته‌اند این نقش و دیگر ظرایف نقوش را به صنعتگران آن دوران آموزش داده‌اند.

جمله حرفت‌ها یقین از وحی یسود
اؤل او لیک عقل آن را فزود
هیج حرفت را بیسن کلین عقل ما
تاند او آموختن بی اوستا
مرلری

غرض این است که پشت این نقش و نگار و حرفت‌ها دست انبیا و وحی نهفته است. در ادامه باید گفت همان‌گونه که اسامی از عوالم بالا نازل شده‌اند و در این عالم مادی که پایین‌ترین عالم‌ها است ظاهر شده‌اند بعید از ذهن نیست که نقشی مانند بته، تجلی از عوالم بالا باشد.

مقصود از «بالا» این آسمان نیست، خود آسمان هم در این منطبق باز آن زیرین است؛ آن یک آسمان فوق آسمان است.

صورت زیرین اگر یا نردبان معرفت
بر رود بالا همان یا اصل خود یکتاستی
میرفندرسی

این همان معنا و مفهوم «نزول» را بیان می‌کند که هر چیزی، حتی خود زمین، حتی آسمان از آسمان دیگر نازل شده؛ اما معنی این «نزول» این نیست که این [شیء] با همین شکل، با همین خصوصیت با همین قدر و با همین حد در جای دیگر بوده است و از آنجا به جای دیگر آورده شده است؛ بلکه معنای «نزول» چیزی است که قرآن از آن به «فرق» تعبیر می‌کند، تفصیل و تجزیه است، (فیها یفرق کل امر حکیم (دخان: ۴)، فرق و جدایی است). (مجلسی، ۱۳۸۱، ج ۱۶: ۴۱۱)

یا این تشبیه که بیان می‌شود، مقام صورت و ماده را بیان می‌کند ولی باز نسبتاً می‌تواند چیزی را بفهماند: شما خودنویس را جوهر می‌کنید. در مخزن این خودنویس جوهر زیادی است. بعد با این خودنویس شروع می‌کنید به نوشتن، یک نامه می‌نویسید: «حضور مبارک دوست عزیزم جناب آقای الف...» اگر بپرستد که این کلمات چیست؟ مگر غیر از همین جوهرهاست که روی صفحه کاغذ قرار گرفته؟ اصلاً غیر از این جوهر که

طغراهای عثمانی هم در همین نقش طراحی شده است. او می‌نویسد که بته را بیشتر به درخت و گیاه ربط داده‌اند و تمام موارد مذکور طرح‌هایی هستند که جزئی از اسطوره‌ها و اعتقادات ایرانیان قدیم بوده تحت تأثیرات فرهنگ و... تغییر شکل داده است.» (زوله، ۱۳۷۸: ۲۳)

ابوالفضل وکیلی در کتاب شناخت طرح‌ها و نقشه‌های فرش ایران و جهان، بته را با عناوینی چون بته‌جقه‌ای، خرقة‌ای، ترمه‌ای، قلمکار، کاجی، هشت پر، کردستانی، یا قهر آشتی، افشاری یا قباد خانی، مادر و بچه و بته شاخ گوزنی، معرفی می‌کند، و سیروس پرهام در دستباف‌های عشایری و روستایی فارس علاوه بر این مطالب به سیر تطور و تحول نقش از ایران باستان تا عصر می‌پردازد و علاوه به اینکه آن را ملهم از سرو می‌داند به بررسی نقوش به‌دست‌آمده از سفالینه‌ها در دوره‌های مختلف و حجاری‌ها و دستباف‌ها و پارچه‌های دوران صفویه و قاجاریه و... پرداخته است به غیر از این‌ها مقالاتی به رشته تحریر درآمده که می‌توان به مقاله «تأملی در منشأ نقش بته‌جقه» اشاره کرد. نویسندگان (احمد کاخکی، آمیته نظری اصطهباناتی) آن‌ها پس از بررسی تاریخی در نتیجه می‌گویند در این نوشتار فرضیه‌ای مطرح گردید که می‌توان آن را هم در کنار دیگر فرضیه‌های موجود درباره خاستگاه و منشأ احتمالی نقش بته‌جقه قرار داد که بر طبق این فرضیه، نقش بته‌جقه ممکن است از نقش بدن کرم ابریشم اقتباس شده باشد و سپس به انواع هنرها راه‌یافته باشد. برای انجام این تحقیق از مراجع کتابخانه‌ای استفاده شده است و از تطبیق بعضی مطالب با یکدیگر بهره جسته شده است که تا حدودی می‌توان به نوع تطبیق دهی منحصر به فرد آن اشاره کرد و آن بن‌مایه کلمات است.

معنی باطنی بنه‌جقه

احب الاعمال الی الله اذومها و ان قل؛

پیامبر رحمت و رافت می‌فرمایند: بهترین و محبوب‌ترین عمل آن است که دوام و بقای آن زیاد باشد، اگر با کمی دقت به بقا و ماندگاری این نقش جاویدان و کهن توجه کنیم به نظر می‌آید آن‌ها نقوشی که ایجاد می‌کردند با توجه به حکمت حقیقی عالم هستی بوده است و به معارفی که از انبیا زمان خود

این امر در مورد بته جقه می‌تواند صحیح باشد، وقتی این نقش به عالم شهاده و کثرات آمده در حقیقت به عالم رنگ‌ها و شکل‌ها درآمده، در هر طبعی و سوئی به همان صورت درآمده، در کلام زرتشتیان به صورت مظهر رمزی شعله درآمده، در کلام ایرانیان به صورت سرو نماد مادری در چادر پیچیده درآمده که سر در گریبان دارد (عطروش، ۱۳۸۵: ۷۴-۷۵) و در کلام غربیه‌ها به میوه کاج باریک شده نامیده شده است و در عالم ستارگان به ناهید که صفت آزادگی سرو را دارد مربوط می‌دانند و یا حتی در عالم پرندگان به صورت پر پرندگان یا حالتی از پر که بر بالای تاج پادشاهان است آمده است و موارد بسیار که همه آنان صورتی از حقیقت معنایی آن است. (پرهام، ۱۳۷۰: ۲۰۷) (ژوله، ۱۳۸۱: ۳۳)

از منظر دیگر، وقتی به معنی نماد توجه کنیم به مفاهیم دقیق‌تر و نزدیک‌تر نماد جقه خواهیم رسید که برای فهم بهتر نماد را مورد بررسی قرار می‌دهیم. معمولاً چیزی را که مظهر و یا نمودگار چیزی دیگر باشد، نماد می‌خوانیم... اما وقتی نمادهایی از نوع حسی مثلاً بینایی، بویایی، شنوایی، لمسی را ملاحظه می‌کنیم که برای نمایش (چیز دیگر)... به کار رفته، جالب‌تر به نظر خواهد آمد... در اینجا با نوعی نماد روبرو هستیم که در خارج وجود ما قرار گرفته و معنا، نمودگاری است از یک احساس درونی ما. زبان نمادین (سمبولیک)، به همین متوال، زبانی است که تجربیات و احساسات درونی انسان را مانند تجربیات حسی توصیف می‌کند. درست مثل اینکه انسان به انجام کاری مشغول بوده یا واقع‌های در دنیای مادی برایش اتفاق افتاده باشد. در زبان نمادین، دنیای بیرون، مظهري است از دنیای درون یا روح و ذهن ما، اگر نماد را نماینده و مظهر چیز دیگر تلقی کنیم، این سؤال مهم مطرح است رابطه اختصاصی بین نماد و چیزی که مظهر آن بشمار می‌رود، چیست؟ (معینی، ۱۳۸۱: ۱۱۲) او نماد را سه نوع می‌داند متعارف، تصادفی و همگانی (جهانی) و می‌گوید نماد همگانی در اینجا آرمان‌های بشری است که در پی ویژگی‌های یزدانی (نامیرایی، جوانی، زیبایی، فرمانروایی) است اما گاه گیاه یا حیوان، نقشی دارد و هدفی که پهلوان اسطورهای در جستجوی آن است به‌وسیله گیاه یا

چیزی نیست. آیا این جوهر الآن به وجود آمده؟ این جوهر نبود؟ [پاسخ می‌دهید] چرا بود. این جوهرها در مخزن که بود حد نداشت، شکل نداشت، از یکدیگر جدا نبودند، این خصوصیات نبود؛ این بود که در آنجا فقط اسمش جوهر بود و بس، ولی وقتی همان جوهر - نه چیز دیگری - در اینجا می‌آید حد و شکل و کیفیت می‌پذیرد و کلمات با معانی مختلف نگاشته می‌شوند، چنان که در معانی حروف نیز «الف» با «ب» و «ب» با «ج» اشتباه نمی‌شود. این‌ها که در سابق متحد و یکی بودند و در آنجا اساساً جدایی و چندتایی نبود و وحدت بود، در مرحله نوشتن بر آن کثرت و فرق و جدایی حکمفرما شد. البته با همین مخزن هم می‌شد بجای گروهی از کلمات، واژگان دیگری نوشته شود و شکل دیگری به آن داده شود، ولی دست شما به کمک مراتب بالا آمد این شکل را به آن داد. پس این کلمات را شما در اینجا به وجود آوردید ولی کلمات به یک معنا قبلاً وجود داشت اما نه به صورت کلمه و جدا از یکدیگر.

از همین رو، اینکه گفته شده بته را از بوته گرفته‌اند صحیح است چرا که گاهی نامی ممکن است بر چند شخص و چند چیز داده شود. چون همان‌گونه که بیان شد در مقام ماده و جوهری یکی بوده‌اند و در صورت متفاوت، بنابراین می‌توان پذیرفت که اصل نقاشی از عالم معنی گرفته شده. خلاصه با توجه به اینکه در عالم مجردات صورت حقیقی و عنوان آن‌ها ذکر است مثل اینکه می‌گوییم (شتر) که معنی عام و کلی آن است که نام نوشتنی آن است و در حقیقت آن معنی که به ذهن می‌آید آن شتر مجردی است که در قوه عالمه هر کس ظاهر گشته ولی هنگامی که می‌گوییم شتر زرد علاوه بر شتر بودن آن زرد بودن آن را هم در نظر می‌آوریم حال دیگر که می‌گوییم شتر زرد دو کوهان علاوه بر شتر و زردی، دو کوهانی آن را نیز منظور داریم و بالاخره وقتی می‌گوییم شتر زرد دو کوهان فلان کس این اسم خاص است که فقط از یکی از چیزها در نظر آورده‌ایم ولی لفظ شتر آن معنی مجردی است که در ذهن است حال در مورد بته هم چنین اتفاقی افتاده است. چنان که برای بته معادل‌هایی مانند سرو خمیده و بته بادام، گلابی و ... و آتش و دیگر موارد ذکر شده است. (ژوله، ۱۳۸۱: ۳۳)

نقشی زینتی شبیه سروی خمیده که بیشتر در صنعت قالی‌بافی، ترمه، زردوزی و مانند آن به کار می‌رود.

بته جقه در دیگر فرهنگ‌ها این‌گونه تعریف شده است فرهنگ لغت عمید:

(اسم) [فارسی. ترکی] نوعی نقش به شکل سرو خمیده که بر روی پارچه، فرش و مانند آن به کار می‌رود. جقه (دهخدا) جغه. پَرک. تِل. بته‌ای ساخته از پر پرندگان که بر بالای پیش کلاه پادشاهان ایران است و آن کوچک کرده سرو سرافکنده، نشان ایران و ایرانیان و حکایت‌کننده از راستی و تواضع ایشان است. بته جقه؛ بته جغه. نقش سرو سرافکنده که نشان راستی و فروتنی ایرانیان است.

جقه (عمید) (اسم) [ترکی] جیغه، جیغه، جغه،

۱. شیئی زینتی به شکل سرو خمیده، گل‌وبته، خورشید، ماه و امثال آن که به کلاه و تاج می‌زدند. ۲. تصویری به شکل سرو خمیده.

جغه (دهخدا) زیوری است که از پر درنا یا کلنگ^۶ یا مرغ ماهی‌خوار سازند و بر کلاه نهند و بیشتر بهادران و دلیران بر سر گذارند. توسعاً به معنی تاج هم بکار می‌رود.

بته جغه؛ نقش سرو سرافکنده که نشانه ایران و ایرانیان است و بر روی فرش‌ها و پارچه‌ها و خاتم‌کاری‌ها و سایر زیورها و صنایع‌دستی ایران دیده می‌شود.

جیغه (دهخدا) بانگ، فریاد و جیغ. جیغه. زیوری مرصع که سلاطین و امراء بر سر زنند. جغه. جغه.

جغه (معین) ۱. تاج، افسر. ۲. هر چیز تاج مانند که به کلاه نصب کنند.

حال اگر بپذیریم افسر یکی از معانی جقه است به آن می‌پردازیم.

افسر (دهخدا) افسر. تاج و کلاه پادشاهان. تاجی از ابریشم مکمل با جواهر. تاج. تاج پادشاه آن که به عربی اکلیل خوانند. این کلمه مرکب است از اوستایی^۷ او (به - بر) پیشوند + سر، یعنی آنچه بر سر گذارند و در پهلوی افسر. به معنی تاج. اکلیل. بساک. دیهیم. تاج کلاه شاه. تاج مخصوص پادشاهان و امراء که اغلب از طلای خالص می‌ساختند. ذیل کلمه تاج چنین آمده است:

جانوری محافظت می‌رود... در برخی روایت‌های آفرینش، انسان از ابنای حیوانی یا گیاهی خود زاده می‌رود و گاه قبیله یا قوم، نام این ابنا را بر خود می‌نهند و همان نشانه آن قوم می‌رود. (همان: ۱۴) با توجه به این مضامین جقه که نمادی است جهانی و محتمل است همزاد یا همزاد آفرین یا حتی به‌گونه‌ای خالق آن‌ها باشد دارای اصل و معنایی عمیق‌تر و به مراتب باطنی‌تر از آنچه تاکنون تصور شده و خواهد شد است.

از منظر دیگر اگر به موضوع نگریسته شود، بردن لغت به اصل آن است و یا به گفته غربی‌ها اتیمولوژی که از فقه و لغت نام گرفته است. با رجوع به بن و ریشه کلمات، آرام‌آرام تمامی لغات شبیه و همانند هم خواهند شد تا جایی که متفقاً برای چند چیز از یک لغت واحد استفاده می‌گردد و از این طریق می‌توان به حقایقی ورا آنچه قائل به آن بوده‌ایم دست یابیم. در شکل‌شناسی نیز زیباشناسان اشکال را ساده کرده و به بن نقش و نقش‌مایه اصلی می‌برند که نتیجه آن یک شکل واحد است و این امر نمایانگر واحدیت در اصل نقوش، بشر،... است. نقش بته جقه نیز از این نوع نقوش است.

اگر حقایق معنی یه گوش جان شنوی
حدیث بی لب و گفتار بی‌زبان شنوی
اوحدی

این صورت‌ها که در عالم اجسام به دید می‌آید، مثال آن صورت‌هاست که در عالم روح‌اند الا آنان روشن‌اند و لطیف‌اند و اما این‌ها تاریک‌اند و کثیف صورت‌ها که در آن عالم‌اند پایدارند و اما اینان فانی‌اند و در می‌گذرند. (اردلان، ۱۳۸۰: ۴) این مطالب از روحانیات هستند، هر لفظی از مجردات که بیان شود حمل بر عالم محسوس جسمانی می‌شود. این در حالی است بیان حقایق با لفظ و کلام بسیار دشوار است، گاه در قالب کلام و لغات نمی‌گنجد.

زین آتشی که در سینه من است
خورشید شعله ایست که در آسمان گرفت
حافظ

وجه تسمیه

بته جقه در فرهنگ فارسی معین با این تعاریف همراه است

افسر (معین) تاج، دیهیم.

دیهیم را دهخدا تاجی که مخصوص پادشاهان است ذکر کرده است و اصل کلمه **داهیم** است و دیهیم امالۀ آن است و **داهیم** نیز گفته‌اند ... **داهی** به معنی تاج است و **داهیم** تاج مخصوص پادشاهان است. بساک. افسر. دهخدا در یادداشتی می‌نویسد: این کلمه پیشک با «دیادما» ی اغریقی^۱ از یک اصل است و معنی آن نزد یونانیان و هم نزد ایرانیان پیشانی‌بند و عصابه است که البته جواهر نشان بوده است و از بعضی امثله که در فردوسی آمده است نیز می‌توان دانست که دیهیم غیر تاج است. پیشانی‌بند مرصع به جواهر زنان را. کلاه مرصع. کلاهی مرصع به جواهر که ملوک پیشین داشتن دی و گروهی تاج را دیهیم نیز خوانند

جامه بالای تخت که پادشاهان بر آن نشینند. بعضی گویند افسری بوده که آن را در قدیم به جهت تیمن و تبرک بر بالای سر پادشاهان می‌آویختند. چتر. تخت. مایه افتخار.

مجازاً سلطنت و ملک و پادشاهی

دهخدا **داهیم** را نیز کلاه مرصع به جواهر تعریف نموده است و آن را دیهیم نیز گویند. دیهیم. تاج مرصع. نیم تاجی است مرصع که پادشاهان عجم داشتند. داهی (دهخدا) زیرک و دانا. **داهیه**. صاحب دهاء. درست رأی. کاردان. بصیر به امور. هشیار. **داه**. مرد زیرک و تیزفهم. **امر بزرگ** هم از معانی دیگر داهی ذکر شده است. فرهنگ نام

داهیه: (دهخدا) بسیار زیرک و دانا.

داه = رجل داه؛ مرد زیرک. ج، دهاء.

با توجه به ریشه‌یابی که از کلمه مورد نظر جقه به عمل آمد جقه به صورت جغه نیز کاربرد داشته و لغت ترکی است و معنی آن تاج و افسر است. افسر از ترکیب دو کلمه او به معنی بر و به و سر همان قسمت بالای هر چیزی که در اوستایی به معنی آنچه بر سر گذارند.

با کمی دقت و در نظر داشتن مقدماتی که عرض شد و نظر کردن به معنی افسر و تاج و جقه و تحقیق و تفحص در دیگر متون و کمک از فرهنگ لغت‌ها با معنای دیگر آن که تاج و دیهیم است مواجه می‌شویم. واژه دیهیم در نزد یونانیان و ایرانیان پیشانی‌بند است که جواهر نشان بوده

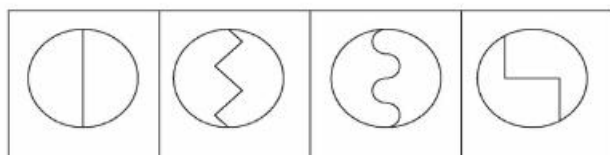
است. اصل کلمه **داهیم** عربی است و در زبان عربی به صورت **داهی** و **داه** استفاده می‌شده است. حال سؤال این است **داهیه** که همان مؤنث **داهی** است به معنی امر بزرگ و شخص بسیار زیرک است که می‌تواند اشاره به چیزی یا کسی (شخصیتی تاریخی یا اسطوره‌ای) باشد؛ و اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا کسی خود را صاحب داهیه اعظم معرفی کرده است؟

چنین می‌توان نظر داد واژه **جقه** و **جغه** یا **جینه** به واسطه کارکردی که در تزیینات و چاپ‌های سنتی لباسها و پارچه و پوشاک و البسه ترکی داشته‌اند وارد فرهنگ و زبان فارسی و ایران گشته است و کاربرد لفظ **جقه** بجای **داهیم** و **دیهیم** و **دیادما** برای فارسی‌زبانان به علت سهولت در بیان در ایران رایج گردیده بنابراین کاربرد واژه **جقه** بجای دیگر واژگان کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

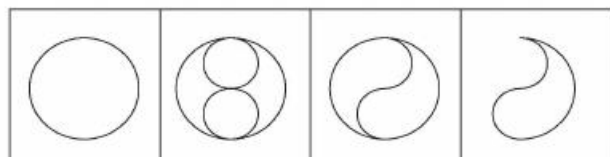
از زاویه دیگر می‌توان این مورد را بررسی کرد: قاطبه مردم دوست دارند مانند حکام، پادشاهان و بزرگان رفتار و سلوک نمایند و از آنجایی که تاج و افسر و دیهیم و جقه بالای پیشانی یا بالای تاج پادشاهان بیشترین نمادی است که مورد توجه قرار می‌گیرد و در ذهن قرار می‌گیرد می‌تواند قبول کرد که بته‌جقه همان پر و نشان تاج، بزرگی و پادشاهی یا کلاه و جواهر روی آن‌هاست. اغلب اقشار برای به دست آوردن حداقل صفات بزرگان دست به طراحی و اجرای آن زده‌اند و به‌مرور زمان به گیراترین زیباترین و قابل تکثیری‌ترین نقش تبدیل شده است. خلاصه کلام به کامل‌ترین نقش زاییده شده از دایره درآمده است و شاید هیچ طرحی به این زیبایی قابلیت تکرار و انعطاف را نداشته باشد. وقتی به این طرح در آیین زرتشتی نظر می‌کنیم طرحی است که بعد از دایره از قداست و پاکی فراوان بهره‌مند است و تمامی زرتشتیان و بخصوص زنان آن‌ها همت گمارده‌اند تا این نقش را که قدمت هزاران ساله دارد در آیین خود به صورت سوزن‌دوزی‌های زیبا که همان پته‌دوزی‌ها است حفظ کنند.

بن‌مایه ظاهری جقه چیست؟

اساس شکل‌گیری نقش بته گردش پاره‌خطی است



تصویر ۱



تصویر ۲

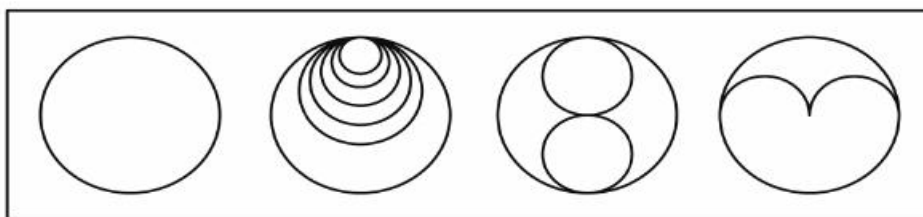


تصویر ۳

نقوش در این ترکیب استثنایی می‌توانیم بیابیم این گونه که در تصویر نقش شده است. (تصویر ۴)

تشبیهات دیگری نیز برای آن قائل‌اند، آن را به شکل میوه؛ درخت کاج، بادام، میوه صنوبر، یا خمیدگی سرو در مقابل نسیم ملایم، قطره؛ باران و اشک چشم و میوه انبه و حتی نوعی طوطی ماده هندی به نام سوگی تشبیه کرده‌اند که همه طرح‌ها از همان دایره است. (تصویر ۵)

به‌رحال اگر به نقش جقه جدای از تمامی تعابیر، معانی و تفاسیر بنگریم و آن را بخشی از دایره ببینیم که به زیبایی آن را به دونیم کرده است باید به این شکل و در حقیقت نماد نیز پرداخت زیرا جدا از هم نیستند چراکه اصل هر چیزی از ابتدای آن چیز است پس باید آن را شناخت. (تصویر ۶)



تصویر ۴

که نقطه آغاز آن کمی خمیده (سر کج) است و پس از یک گردش منحنی در همان نقطه شروع به هم‌پیوسته و گردش آن متوقف می‌رود. در این گردش شکلی به دست می‌آید از یک سر باریک و در نقطه میانی شکم دار است.

پس از تفحص در ظاهر آن و تجزیه و ترکیب مجدد آن نتیجه این است: بته‌جقه در حقیقت زیباترین تقسیم مساوی از دایره است. دایره را به صورت‌های مختلفی می‌توانیم به دو نیمه تقسیم کنیم که زیباترین نوع تقسیم، همان شکل بته‌جقه است. (تصویر ۱)

در حقیقت مساحت دایره به چهار قسمت مساوی تقسیم می‌شود^{۱۱} که خود نمادی از چهارفصل، چهار طبع و... است و با ترکیب دوبه‌دو این‌ها بته‌جقه حاصل می‌شود که در اول دایره بود و با دایره به کمال رسید و با آن در دنیای کثرات تکثیر می‌شود و ابتدای زیباترین و گیراترین نافذترین نقوش است (تصویر ۲) و آن مولد هزاران طرح در تمامی کره خاکی است و به‌تمامی دعوت به دایره می‌کند و دایره دعوت به شناخت دایره وجود دارد و آن‌ها به دور مرکز دایره و شناخت آن که همان یکی بودن است دارد. (تصویر ۳)

حتی می‌توان اذعان کرد که نماد هیئت هفتگانه الهی است و دلیل آن را از بندهش می‌توان با دقت عارفانه دریافت: بر طبق روایات، در مجموعه فکری و نیز بی‌گمان در شمایل‌شناسی واقعی، هیئت هفتگانه الهی به دو گروه، بخش شده‌اند: سه مهین فرشته که به‌صورت مذکر در سمت راست اوهرمزد و سه مهین فرشته مؤنث در طرف چپ وی نشان داده شده است اوهرمزد، خود طبیعت دوگانه آنان را باهم متحد ساخته، زیرا در باب وی گفته شده است که هم پدر خلقت بوده است و هم مادر آن، همه این هفت مجموعاً آفریدگان را به عرصه وجود آوردند (فرنبرگ، ۱۳۶۹: ۸۵) این هفت را در عالم



نقشی از طوطی در تلفیق با نقش مایه بته جقه در پته کرمان
(تصویر ۵)

است، بدون آغاز، بدون انجام و بدون تغییر و تبدیل. علاوه بر این، دایره که نمادی از حرکت پیوسته و مرتبط و مدور آسمان است با الوهیت نیز در ارتباط است و مفهوم بی‌پایانی را القا می‌کند. در مرتبه بالاتری از تعبیر و توصیف، آسمان نیز به‌خودی‌خود به نمادی بدل می‌شود، نمادی از جهان معنوی و آسمانی، نادیدنی و متعالی با این‌همه دایره در معنایی مستقیم‌تر نشان‌دهنده آسمان کیهانی است، بخصوص هنگامی که آسمان در تلاقی با زمین قرار می‌گیرد و با آن هماهنگ می‌شود.

با این همه دایره یا این شکل ازلی بیش از آنکه دایره باشد یک کره است، زیرا دایره، کره‌ای نمودار شده از زاویه مقطع است. به همین خاطر است که «بهشت زمینی» به‌صورت دایره نمایانده شده است. تحول و تکامل مربع به دایره در ماندالا^{۱۱} (تصویر ۷) «تماد جهان در نزد هندوها یا بودائی آن که به معنای دایره است» شبیه به تکامل یافتن تبلور مکانی یا نیروانا^{۱۲} به مرحله نامعلوم بودن اصلیت است که در اصطلاح شرق همان عبور از زمین و رفتن به آسمان است. دایره با حرکت پویای خود نمایانگر تغییرات زمینی است و مربع نمایانگر تغییر ناپذیری کائنات است.

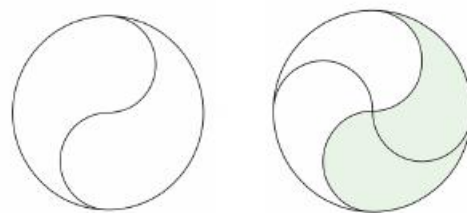
دایره ساده‌ترین متحتی و درواقع کشیرالاضلاعی است که دارای بی‌نهایت ضلع است، قرار گرفتن حتی



بته‌جقه بر قمقمه چرمی پازیریک، قرن پنجم نقش پ م (نامه هنر
۱۳۸۹، ۹۲) (تصویر ۵)

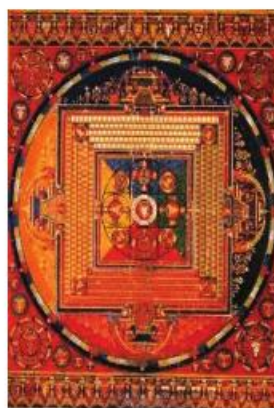
دایره و مفهوم شکلی آن

در متنی کهن آمده است: خداوند همچون دایره‌ای است که مرکزش همه‌جا و محیطش هیچ کجاست دایره در وهله اول نقطه‌ای است گسترش‌یافته و تفسیر نمادین آن دربرگیرنده مفاهیم



تقسیم نقش دایره به شکل بته‌جقه، نقش‌مایه معروف «تای چی دو»، اولین تقسیم دایره نقش اولیه صلیب شکسته یا گرونده مهر.
(تصویر ۶)

کمال، یکپارچگی و نبود هر نوع تمایز و تفکیک است. علاوه بر مفهوم کمال که به‌طور ضمنی در دل نقطه ازلی وجود دارد، دایره نمادی از خلاقیت، یعنی خلق جهان در مقابل خالق نیز هست. دایره متحدالمرکز نمایانگر طبقات و سلسله‌مراتب وجود می‌باشند و در حقیقت مدار افلاک وجودی خلایق و موجودات می‌باشند که هر یک بالای فلک دیگری قرار دارد و باعث فیض از مرتبه بالا به پایین هستند. حرکت دایره‌های کامل و تغییرناپذیر



از سمت راست ماندالا تصویر وسط طرح شماتیک یانگ و ییین و سمت چپ در مرکز نقش تماد ترکیب شده یانگ و ییین عناصر اصلی جهان است (گرینستی، ۱۳۸۴، ۱۶۰) (تصویر ۷)

را نماد دایره‌ای دانست که باعث ایجاد خلاقیت است که آن به دو نیم شده است، برشماریم؛ و جقه زیباترین نیمه دایره است چراکه وقتی قرار است نمادی از ابتدای خلقت داشته باشیم بالاترین و زیباترین آن در ظاهر نیز است و در این عالم ظهور یافته است با توجه به یکی از معانی آن که دایره هست جقه چه مفهومی پیدا می‌کند؟ برای وضوح سؤال به ذکر این مطلب می‌پردازیم که هر چیزی که بتوان به آن چیز گفت در عوالم مختلف از اعلا تا اسفل که از او ذکری در آنجاست اسمی دارد. مثلی از عالمی که در آن زندگی می‌کنیم می‌زنیم تا مطلب روشن‌تر شود هنگامی که اسم کسی را می‌نویسی مثل (دارا) این دال، الف را و الف، نام نوشتنی اوست که سیاهی بر سفیدی است و وقتی که این دارا در اتاقی تاریک باشد و او را صدا کنی و دارا جواب دهد آن صدایی که می‌شنوی و او را به آن صدا می‌شناسی که داراست آن صدا نام شنیدنی اوست هنگامی که عکس او را می‌بینی و می‌شناسی این نام چشمی یا بصری اوست اگر این دارا فرزندی داشته باشد، فرزندش او را به بوی او می‌شناسد این بو نام بویایی اوست و اگر این دارا با عالمی آشنا باشد که حروف ابجد را می‌شناسد آن عالم، او را به عددی می‌شناسد و تا جایی که دارا وجودی اصلی دارد که مرتبه اخفای اوست و تو او را با رتبه اخفایی خود می‌شناسی، و قس علی‌هذا.

هرجایی و عالمی اسمی دارد و در عالم اشکال و نقوش هم اسمی دارد که هنرمندان به دنبال شناخت این نقوش می‌باشند و... با مثل آشکار شد که جقه می‌تواند نماد یک واقعه، اسطوره و... یا حتی نماد یک

یک نقطه بر محیط آن نشانگر بریدگی و پیوستگی است، زیرا به معنای آغاز یا پایانی است که زایل کننده مفهوم (ابدیت و بی‌نهایت)

دایره بیش از شکل هندسی دیگری در آنچه با حرکت و پویای سروکار پیدا می‌کند حضور دارد. استفاده از وجود دایره در اولین خط‌های ابداع شده توسط انسان و همچنین در اولین کوشش‌های کودکان جهت ایجاد ارتباط با یکدیگر، حتی قبل از این که علائم معمول ارتباطی را بیاموزند مشاهده شده است. دایره نماد حرکت جاودانه، تکرار و تبدیل، شب و روز، زوج و فرد، خیر و شر بالا و پایین است.

دایره شکل کاملی است که نماد لطافت، نرمی، سیالی، تکرار، درون‌گرایی، آرامش روحانی و آسمانی، پاکی و صمیمیت و آن جهانی بودن به شمار می‌آید. چون دایره شکل کاملی است بسیاری از هنرمندان شرق و غرب سعی کرده‌اند نقاشی‌های خود را بر مبنای دایره و یا ترکیب‌های دایره به وجود بیاورند. در هنر ایرانی، نقاشان بزرگ برای ساختن آثار خود از ترکیب‌هایی بر اساس دایره و چرخش الهام گرفته‌اند. (معینی، ۱۳۸۰: ۳۵)

عقلان نقطه پرگار وجودند و لسی
عشق داند که در این دایره سرگردانند
حافظ

به نظر نگارنده آن گونه که در طرح‌های ایرانی داریم و دایره را نماد آسمان و نور به حساب می‌آورند (الله نور السموات والارض. آیه ۳۵ سوره نور) می‌توانیم آن دایره

در دریای فراخکرد به وجود می‌آورد اما در مقابل، اورمزد دو ماهی میتوی به نام «کر» می‌آفریند که مأمور نگاهبانی از این درخت می‌شوند و همواره یکی از این ماهی‌ها وزغ را زیر نظر دارد. در آغاز آفرینش آدمی نیز درخت به یاری مشی و مشیانه، نخستین زوج بشر، می‌آید. مشی و مشیانه برای طبخ غذای خود نیازمند آتش بودند و آتش موردنیاز آنان را دو درخت کنار و شمشاد که بنا بر اساطیر ایران آتش دهنده‌ترند، فراهم کردند. درخت در دین‌های دیگر هم از جایگاه خاصی برخوردار است. در دین یهود، خداوند در میان شعله‌های آتشی که از درون درختی (بوته‌ای) سر برمی‌آورد، با حضرت موسی (ع) سخن گفت. حضرت مریم زیر درخت خرمایی با ریزش خرمای آن روزه خود را گشود و در اسلام، درخت طوبی درخت مقدسی است که در بهشت جای دارد. نماد معرفت نیز در همه این دین‌ها درختی است که میوه آن، ممتوعه است و با خوردن آن، آدم و حوا هبوط می‌کنند و از بهشت رانده می‌شوند (بهار، ۱۳۶۹: ۱۲۵)

سال‌هاست اصل و منشأ طرح ایرانی بته‌جقه را به آتش مقدس، به کاج، به نخل، به بادام، به گلابی همچنین به کیسه چرمی، به شکل باسماه‌ای مشت بسته و حتی به شیارهایی که برحسب اتفاق رودخانه جومنا در مسیر خود از دره کشمیر به جلگه هندوستان ایجاد می‌کند، عده‌ای دیگر آن را به‌عنوان سرو می‌دانند که در دوران مزدکیان نشانه آزادگی آنان بوده و پس از شکست مزدک سرخود را از شرمساری به زیر انداخته است. سرآغاز آن هتر ایلامی - آشوری و سرانجام آن هتر هخامنشی است. (ژوله، ۱۳۸۱: ۳۳ - ۳۴) تشبیه کرده‌اند. چنین برمی‌آید که تمام این نسبت‌ها و فرضیه‌ها درست به نظر می‌آید.

چنان لطف خواصیش یا هر تن است
که هر کس یگوید خدای من است
بهر آن است که اصل آن را در جای دیگر در و رای
احساسات ظاهری نقوش مادی جست.

این نقش جاویدان در طول زندگی هزاران ساله‌اش
به‌قدری تحول و تطور یافته که هیچ آرایه‌ای در عالم هتر

شخصیت تاریخی و مذهبی در عالم نقوش باشد و در این عالم ظهور پیدا کرده است که قابلیت فکر کردن دارد. (معمولاً چیزی را که مظهر و یا نمودگار چیزی دیگر باشد، نماد می‌خوانیم) (معینی، ۱۳۸۱: ۱۱۲)

صور نمادین بته‌جقه

تعدادی از صاحب‌نظران، بته را از بوته، درخت و درختچه دانسته‌اند. در تعریف درخت در فرش نامه ایران آمده است: که درخت نشانه‌ای از باروری و آفرینش که با خط‌هایی چه کمائی و چه شکسته در بسیاری از طرح‌ها دیده می‌رود (آذرپاد رضوی، ۱۳۷۲: ۴۲) که منظور طرح‌های متنوع از سرو یا بته است. شکل بته‌جقه به‌دست‌آمده بر روی قمقمه دره پازیریک حالت زیور و نگاره زینتی ندارد (تصویر ۵)؛ و تنها تفاوت آن با سرو واقعی در شیوه (نگارگری) مقطعی است؛ که برش عمودی درخت سرور را با ساقه‌های افقی مجسم می‌سازد. در هنر پارسی و ساسانی سرو دیگر یگانه درخت مقدس نیست و رفته‌رفته جای خود را به دیگر درخت‌ها نیز می‌دهد و پیکره‌هایش تقریباً محو می‌شود. (ژوله، ۱۳۸۱: ۳۳).

در باب اهمیت درخت به ذکر دو درخت مهم اساطیری از بندهش نقل قول می‌شود:

درخت بس تخمه یا همه تخمه که منشأ تمامی گیاهان جهان است و همه نوع گیاه از او می‌روید. سیمرغ، پرنده اساطیری ایران، بر این درخت آشیان دارد و هر سال، بنا بر متن پهلوی گزیده‌های زاد سپرم^{۱۳}، «آن درخت را بی‌قشاند، آن تخم‌های (فرورپخته) در آب آمیزد، تیشتر (ایزد باران در اساطیر ایران) آن‌ها را با آب بارانی ستاند، به کشورها باراند» و به‌این ترتیب، همه نوع گیاه در همه‌جای زمین روید. این درخت در دریای فراخکرد، دریای بی‌انتهای کیهانی، به همراه درخت «گوکرن» یا «هوم سفید» قرار دارد. درخت گوکرن درخت مهم اساطیری دیگری است که اکسیر جاودانگی را در هنگام بازسازی جهان به مردمان می‌بخشد و بر اثر آن، همه مردم جاودانه بی‌مرگ می‌شوند. بنا بر متن پهلوی بندهشن^{۱۴}، این درخت برای بازداشتن پیری بد دم است. اهریمن برای از بین بردن این درخت وزغی را



است که خواهناخواه در تمام هنرها به نوعی ظهور دارد و هنرمندان متعددی از این دریای زیبایی بهره برده‌اند، اما در عین حال بته‌جقه می‌تواند بیانگر حقایقی و رای آنچه تاکنون شنیده و خوانده شده (افسانه، اسطوره، نماد اسمی و...) باشد و امید است این مطالب باعث نزدیکی اذهان به دریافت مفهوم حقیقی بته‌جقه شده باشد و به هویت اصلی و حقیقی این نقش ماهه کهن پرداخته باشد که به معنی امر بزرگ و شخص بسیار زیرک است که می‌تواند اشاره به چیزی یا کسی داشته باشد. به امید روزی که حقیقت آن جمال قابل معرفت در ظاهر باشد.

اگر پژوهش نکو باشد ز که‌تر
نکو‌تر باشد آرزوش ز مه‌تر
فخرالدین اسعد (ویس و رامین)

پی‌نوشت‌ها

۱. فرهنگ لغت عمید (اسم) [عربی: اسطوره، جمع: اساطیر] قصه‌ها و حکایت‌های یازمانده از دوران باستان درباره خدایان، قهرمانان و به وجود آمدن اشیا و حوادث.
۲. منظور چهار جهت اصلی یا ارکان اربعه هر چیز است.
۳. این مقاله در نشریه نامه هنر (شماره ۶ صفحه ۹۰) به چاپ رسیده است.
۴. محبوب‌ترین کارها در پیش خدا کاری است که دوام آن بیشتر است، اگرچه اندک باشد (صحیح مسلم، ۱۳۸۹: ۱۵۶)
۵. فرهنگ لغت عمید (اسم) [مصرف پر] ۱. پره، پَر کوچک. ۲. برگ کوچک. ۳. (زیست‌شناسی) بال کوچک. ۴. تاج: افسر. ۵. ستاره سهیل.
۶. لغت‌نامه دهخدا کلنگ: [ک-ل] (۱) پرنده‌ای است کیود رنگ و دراز گردن بزرگ‌تر از لک‌لک که او را شکار کنند و خورند و پره‌های زیر دم او را بر سر زنند. (پرهان). مرغی است بلندپرواز مانند غاز و غالباً بر لب آب‌ها نشینند و بر هوا یک دسته آن به ترتیب و قطار و نظام پرواز کند. (آندراج). کلنگ پرنده کیود رنگ و بزرگ‌تر از لک‌لک و ماکول. (از ناظم الاطباء).
۷. در دوره ساسانیان، القیایی از القیای زبوری و پهلوی ساخته شد و اوستا بدان نوشته شد. این القیا را القیای اوستایی و دین‌دبیره نامیده‌اند. این خط که جنبه آوایی یا فونتیک دارد، هم برای نوشتن متن اوستا و هم در مواردی برای نوشتن فارسی میانه یا تلفظ متون فارسی میانه که به خط پهلوی کتابی بود استفاده می‌شد. خط اوستایی یک شیوه نوشتاری که در زمان ساسانیان (۲۲۶ تا ۶۵۱ پس از میلاد) به‌منظور نوشتن زبان اوستایی ایجاد شد. یکی از پیامدهای

ایران و سایر اقوام تا به این حد متحول نشده است. این همه تحول و زیبایی را مدیون راز نهفته خود است که باعث ایجاد خلق است، چنین می‌تواند نظر داد که این آرایه بعد از دایره مقام اول خلق در عالم نقوش را داد که خود از حقیقت آن نشأت گرفته است. در انتهای مطلب به تطبیق بعضی از کاربردهای نمادین مرتبط با بته‌جقه پرداخته می‌شود.

نتیجه‌گیری

در جستاری که حاصل پژوهش حاضر است و در پاسخ به مسئله تحقیق، در درک معانی پنهان بته‌جقه و علت ظهور گسترده آن در هنر ایران، می‌توان اظهار داشت که بته‌جقه معانی متعددی دارد. جقه به صورت نماد یا نقش مادری است که بر بدنه آن دیگر نقوش قرار می‌گیرند و با تکرار مکرر آن و دیگر نقوش جهت ایجاد تنوع و گوناگونی و تکمیل نقش مادر به کار رفته است و همچنان استوار برپاست. به طور قطع معانی نمادین گسترده آن اعم از تشبیهات ظاهری به سرو، ماهی، شعله آتش، افسر و دیهیم گرفته تا معانی باطنی‌تر چون داهیه و داهی و ... در وابستگی آن به نقش نمادین ازلی دایره ناشی می‌شود و شروع هستی نقوش از این نقش، علتی است که در هنرها ظاهر می‌شود. دایره در میان نقوش، به نوعی مشابه (یک) در اعداد است و بته‌جقه که از تقسیم دایره حاصل می‌شود، به مثابه نماد (دو) در اعداد است که سایر اعداد مضرب آن می‌باشند. از این رو شروع هستی و کثرات از این نقش است. جان کلام این که، همان‌گونه که آفتاب بر همه عالم می‌تابد و نور خود را دریغ نمی‌کند اما بر هر زمینه‌ای بازتابی متفاوت بر اثر قابلیت آن‌ها دارد و همان‌گونه که رنگ سفید نور در رنگین‌کمان به رنگ‌های متعدد ظاهر می‌شود، اما در نهایت همگی روایت نور را می‌کنند و بر اثر قابلیت خود، رنگی شده‌اند و همین امر نیز باعث زیبایی و صفاپذیری آن شده است، بته‌جقه نیز، در عین ماهیت نامحسوسی که دارد، قابلیت ظهور و تکثیر در اشکال مختلف هنری را دار است. البته با حواس ظاهری در این عالم شهاده می‌توان ظاهر آن را دریافت، ولی با این حواس هرگز نمی‌توان حقیقت آن را دریافت ولی همچنان این نقش در عالم هنر سراسر کره خاکی در طول تاریخ و در ایران اسلامی با همه نژادها و رنگ‌های زیبای خود، ظهور، خودنمایی کرده و جلوه‌گری می‌نماید؛ و همین علتی

معینی، فریدالدین. (۱۳۸۱) «بررسی نقوش نمادین یا سمبولیک در آثار هنرهای سنتی ایران»، پژوهش و نگارش منتخب صبا (اسفندیار کوه نور) گردآورنده و مصحح حمیدرضا معینی، فریدالدین معینی، ج ۲- نور حکمت ص ۳۴ و ص ۱۵
مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین. (۱۳۶۷) شرح احقاق حق، انتشارات عمومی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی. قم.
مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۱) یحارالاتوار تهران: الاسلامیه.
طالب‌پور، فریده. (۱۳۹۲) تاریخ پارچه‌بافی ونسانی در ایران. انتشارات مرکب سپید.

نصر، سید حسین. (۱۳۸۵) سنت عقلائی در ایران.
کوپر، جی، سی. (۱۳۷۹) فرهنگ مصور نمادهای سنتی.
موتیک دو، یورگو. (۱۳۷۳) رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری.

یایار، ژان - پیر. (۱۳۷۶) رمز پردازی آتش، ترجمه جلال ستاری تهران. مرکز نشر.
سید رضی. (۱۳۵۸) نهج‌البلاغه، ترجمه احمد سپهر خراسانی، انتشارات اشرفی.

رضی، هاشم. (۱۳۸۴) متون شرقی و سنتی زرتشتی. تهران.
ژوله، تورج. (۱۳۸۱) پژوهشی در فرش ایران، تهران: انتشارات یساولی.

آذرباد، حسن. حشمتی رضوی، فضل‌الله، (۱۳۷۲) فرش نامه ایران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
رضایی عبدالعظیم (۱۳۶۸) یاری نامه: اصل و تسب و دین‌های ایرانیان یاستان. ناشر عبدالعظیم رضایی چاپ طلوع آزادی.
عطروش، طاهره. (۱۳۸۵) پته جقه چیست، تهران.
صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری نیشابوری، (۱۳۸۹) مترجم: عبدالقادر ترشایی الدراسات الاسلامیه
تصیری محمدجواد. (۱۳۴۷) سیری در هنر قالی‌بافی، مؤلف، تهران ۱۳۷۴ ص ۵۵
اردلان، نادر. یختیار لاله. (۱۳۸۰) مترجم حمید شاهرخ، حس وحدت. اصفهان، نشر خاک.

منابع تصویری

گریستی، آنتونی، (۱۳۸۴) اساطیر چین، ترجمه یاجلان فرخی، انتشارات اساطیر،
دو هفته نامه هنر (۱۳۸۹) - دانشگاه هنر تهران شماره ششم سال سوم ص-۹۲
مجموعه خصوصی خانم پروین عباس شیرازی کرمان
تصاویر مجموعه نگارنده
وب‌سایت فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان یزد، شهرستان‌های یزد، ایرکوه، اردکان، یاقق
وب‌سایت موزه جواهرات ملی ایران جواهرات سلطنتی ایران
بخش قاجار

جنبی آن، نوشتن پازند، نوشتارهایی به زبان فارسی میانه که اساساً توضیحات زند بر متن اوستا بود، یا آن بود. در متون کهن زرتشت، از این القبا به دین‌دبیره یا دین‌دبیری یاد شده است که به زبان فارسی میانه یعنی «خط دینی».
۸. لغت‌نامه دهخدا اماله. [ا.ل.] (ع مص) برگردانیدن. خم دادن. (منتهی الارب). میل دادن و برگردانیدن. (غیاث اللغات) (ناظم الاطیاء) (آندراج)

۹. لغت‌نامه دهخدا: اغریق: [ا.] (ص نسبی) منسوب است به اغریق یعنی یونان. یونانی.

۱۰. دایره را به صورت‌های مختلف می‌توانیم به دو نیمه تقسیم کنیم که پته‌جقه در حقیقت زیباترین تقسیم مساوی از دایره است.

۱۱. مانند: (به معنی دایره در سانسکریت) جدولی است هندسی مورد استفاده در ادیان بودا و هندو که به‌عنوان نمادی برای جهان هستی به کار می‌رود. اصل مانند: از دین هندو است ولی در آیین بودا هم کاربرد زیادی پیدا کرده است.

۱۲. فرهنگ نام: نیروانا (سانسکریت) آخرین مرحله سلوک در نزد (بودا) که مرحله‌ی محو شدن جنبه‌ی حیوانی وجود و رسیدن به کمال است.

۱۳. زاد سپهر: زاد اسپهرم [ا.پ. ر] (ا.خ) یکی از چندین کتاب پهلوی است که در تألیف کتاب زرتشت نامه از آن استفاده شده است. (مزدیسنا و تأثیر آن در ادب پارسی، تألیف دکتر معین، ص ۴۷۵۵)

۱۴. پندھش (در فارسی میانه پندھش، به معنای اصل آفرینش) خود واژه‌ای است دویخش: ین (= آغاز و اساس) و دهیش (= آفرینش) که روی هم آفرینش آغازین را می‌رساند. یکی از مهم‌ترین متون دینی - تاریخی زردشتی، به خط و زبان پهلوی. این اثر عمدتاً دربار کیهانشناسی، یا فصولی در تاریخ کینان و جغرافیای ایرانشهر، بر پایه متون اوستایی و گزارش‌های پهلوی و منابع تاریخی، به خصوص خدینامه، در ۳۶ فصل است (پندھش، ترجمه بهار، ۱۳۶۹: ۶)

کتابنامه

ژاد ملایری، مریم. (۱۳۷۴) فصلنامه فرهنگ و ادب، شماره ۲ و ۳، سال دوم، پاییز و تابستان، مقاله پته، تحقیق ص ۵۶
فرنیغ دادگی. (۱۳۶۹) پندھش، گزارش مهرداد بهار، تهران: توس، ص ۱۲۵
دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۴) لغت‌نامه انتشارات دانشگاه تهران
معین، محمد. (۱۳۶۰) فرهنگ معین انتشارات امیرکبیر، چاپ سپهر، جلد اول ص-۱۲۳۲
عمید، حسن. (۱۳۶۲) فرهنگ انتشارات امیرکبیر، چاپ سپهر. پرهام، سیروس. (۱۳۷۰) دستیاف‌های عشایری و روستایی فارس، ج اول سیروس پرهام یا همکاری سیاوش آزادی، نشر سقریه‌خیر سال ۱۳۷۰-چاپ دوم. از صفحات ۲۰۷ تا ۲۲۶



جقه به معنی سرو

در فرهنگ ایران باستان هم سرو نشان اهورامزدا و نیلوفر نماد آناهیتا است بنابراین کاشت درخت مقدس و دایر کردن پردیس (فردوس) مقدس بوده است البته آن نخلی هم که امروزه در بخش‌های مرکزی ایران به هنگام عزای امام حسین بلند می‌کنند شکلی از سرو است که سخن در اطراف آن قراوان است و جای تحقیق دارد. (پرهام ۱۳۶۴: ۱۲۴)



نقش برجسته سرو یا کاج در تخت جمشید



نقش بته‌جقه در آثار سوزندوزی بته کرمان

جقه به معنی تاج و دیهیم تاج فتحعلی شاه، معروف به تاج کیانی که آراسته به الماس، زمرد، یاقوت و مروارید است. این تاج در زمان فتحعلی شاه ساخته شد و مورد استفاده سلاطین قاجاریه قرار گرفت.

این تاج اولین تاجی است که پس از دوران شاهنشاهی ساسانی به این صورت ساخته شده است (ساخت ایران، ۱۲۱۲ ه. ق.).



تاج کیانی مربوط به قاجاریه



اصلی‌ترین نقش بته جقه است



سرو، تاج و دیهیم و نماد آزادی
ایرانیان
جقه نادری، آراسته به الماس و زمرد،
در زیر جقه، سه آویز زمرد خوشرنگ
امرودی آویخته شده است. قسمت
بالای جقه، هفت شقه است و در دو
طرف شقه‌ها نیز دو ریسه و برگ و
گل الماس نشان ساخته‌اند و از نوک
شقه‌های جقه، دو آویز زمرد آویخته
شده است.



جقه نادری

سرو چهار هزار و پانصد ساله ابرکوه،
دومین موجود کهن‌سال زمین، فراموش
شده است

«مارکوپولو» در خاطراتش می‌نویسد:
«یکی از چند سروی که دیده‌ام سرو
خوشبالای است که همچون آبشاری
سبز از آسمان بر روی زمین تنیده
و از هر طرف که وارد ابرکوه شوی
سرو کهن‌سال و پرتراوت مانند چراغ
دریایی سبزی ما را به بندر دریای کویر
و خورشید تابان فرا می‌خواند».



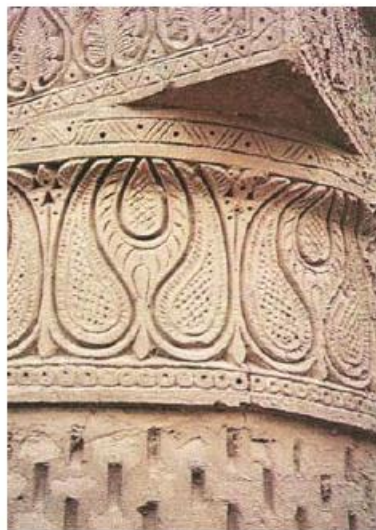
۱۱۲

در ایران باستان نیز درختی مقدس وجود داشت که به
درخت زندگی معروف است این درخت نماد جاودانگی
بود. درخت زندگانی ایرانیان را سرو می‌دانند و سرو مانند
دیگر درختان همیشه بهار، نماد جاودانگی، یعنی حیات
پس از مرگ است. بر روی یادمان‌های مربوط به مهر نیز
هفت سرو تصویر می‌شد که دلالت دارد بر هفتسپارهای
که روح در سفر خود به سوی آسمان از آن‌ها می‌گذرد.
علاوه بر این درخت سرو نزد ایرانیان زردشتی اهمیتی
ویژه داشته و دارد؛ و نیز ایرانیان به سرو به چشم نماد
مقاومت در برابر تاریکی و سرما می‌نگریستند و در (خور
روز) روز پس از شب یلدا در برابر سرو می‌ایستادند و
پیمان می‌بستند که تا سال بعد یک نهال سرو دیگر
بکارند.



بته‌جقه. طرح اصلی این نگاره که در بیشتر دستباف‌های
ایرانی دیده می‌رود سرو سرخم است. داخل بته‌جقه را با
نقش‌های مختلف اسلیمی، ختایی و بته‌جقه‌های کوچکتر
تزیین می‌کنند و گاه حاشیه آن را هم با اسلیمی یا
طرح‌های ساده‌ای از خود بته‌جقه می‌آرایند.

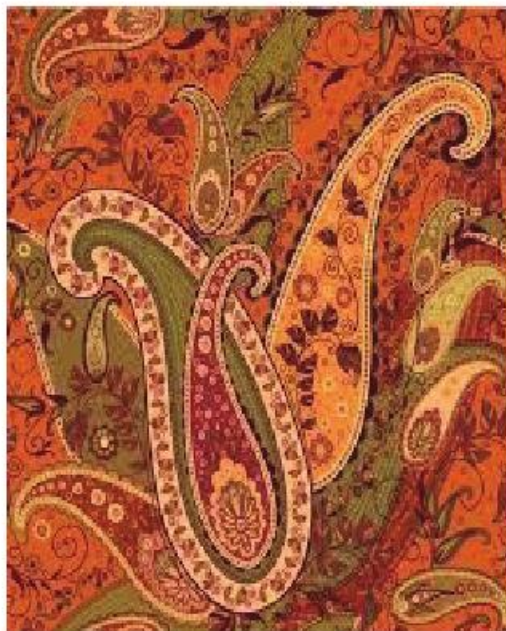
در معماری از هر دو جتبه مذکور یعنی هم مربع و هم دایره استفاده شده است که مبتنی بر تحول مربع به دایره و بالعکس است. در عین حال که برای نماسازی از نقش بته نیز استفاده می‌رود (معینی، ۱۳۸۱، ۳۵).



اتصال ستون دایره‌ای با قسمت مربع و نقش بته، سروی



سرو کهن سال هرزویل، ۱۳۸۸ خورشیدی



جقه که گاهی به عنوان نماد، آتش از آن نامبرده شده است و آتش یک نماد است که با نور وابستگی‌هایی بسیار دارد و نماد خرد و عقل و حکمت و عرفان بوده و نماد خداوند است در ظهور و تجسم... آتش به موجب حکمت ایران باستان و از منظر زرتشت، گاه از دایره چنین تعریفی نیز بیرون می‌رود و با تعاریف عرفا و حکما و به ویژه آثار متثور و متظوم ایران اسلامی آنچنان نزدیک می‌رود که موجب شگفتی آتش در گیاه و نبات و به ویژه در جان و بدن آدمی نیز موجود بوده و منشأ حیات روحانی است... (رضی ۱۳۸۴، ۳۰۸-۳۰۹)

اما آتشی که درون آدمی را از آلودگی پاک می‌کند جز اشا (راستی) نیست که از راه اصول سه گانه هومت (اندیشه نیک) هوخت (گفتار نیک) هورشت (کردار نیک) به دست می‌آید. (رضایی ۱۳۶۸ ص ۱۴۹)